

رضا شاه کبیر در آئینه خاطرات

مؤلف: ابراهیم صفایی، چاپ اول تهران ۱۳۵۴، چاپ دوم لوس آنجلس ۱۳۶۵، با دو مقدمه مهرداد پهلبد و مهرداد مزین.

کتاب "رضا شاه در آئینه خاطرات" مجموعه ای است از خاطرات بیان شده شخصیت هائی که در دوران پیشرفت و حکومت رضا شاه با او کار کرده‌اند و یا با او سرو کار داشته‌اند که در هر صورت اگر از طرفداران او نبودند جزو مخالفان و دشمنان او نیز نبودند. مهرداد پهلبد وزیر فرهنگ و هنر در سال ۱۳۵۴ میگوید این کتاب به مناسبت ۵۰ سال پادشاهی سلسله پهلوی نوشته و چاپ شده است. با توجه به جو خود ستایانه و یکسو نگرانه حکومت در آن جشنها و حالت تهوعی که روشنفکران نسبت به آن داشتند، هر نوشته‌ای که انگ دولتی به آن میخورد غیر خواندنی شناخته میشد در نتیجه این کتاب در آن دوران جزو کتاب های خواندنی نبود. با اینکه در این کتاب بیان کنندگان خاطرات از جهت انتقادی تا آنجا که به رضا شاه مربوط میشود زیانشان بسته است اما از جهت گزارش وقایع در خدمت بیان تاریخ هستند و درستی و راستی در بیشتر این خاطرات آشکار است.

از ۴۴ شخصیتی که خاطرات آنها گزارش شده است ۱۵ نفر نظامی و بقیه سیاست پیشه هستند. پیروزی انقلاب مشروطیت در ۱۲۸۵ خورشیدی و تشکیل مجلس شورای ملی، بخاطر نبودن رهبری و نیروی سیاسی نیرومند نتوانست نوسازی و اصلاحات مورد نظر روشنفکران نوگرا را اجرا کند. آمدن رضا شاه به تهران در اسفند ۱۲۹۹ با نیروی نظامی ۲۵۰۰ نفری خود، هسته نیروی سیاسی نظامی در تهران شد که روشنفکران مرفقی را که شیفته نوسازی ایران بودند به گرد او جمع کرد. کسانی که خاطراتشان در این کتاب جمع آوری شده است بخشی از این گروه روشنفکران هستند. رضا شاه پایه‌های قدرت سیاسی خود را در مدت ۵ سال بنا کرد. حتی یکبار از تمام پست های خود استعفا داد که به اصرار سیاست پیشه‌هایی مانند مصدق به کار خود بازگشت.

این خاطرات را بطور کلی به دو بخش میتوان تقسیم کرد. یک، برقراری نظم و امنیت در سراسر ایران و دوم بنیان گذاری مؤسسات کشوری و نظامی که بتوانند سازندگی های زیر بیانی را انجام دهند. گزارش تأسیس و ساختمان مؤسسه ملی و نظامی نیروهای مسلح ایران را توسط نظامیان بیان کنندگان خاطرات میخوانیم و همین نظامیان داستان سرکوب قدرت های ایلیمانی و خانی را میدهند که در مقابل محدود شدن قدرت ناحیه‌ای خود مقاومت میکردند. سبهد فرج الله آق اولی داستان اجرای قانون نظام وظیفه اجباری را شرح میدهد و نشان میدهد که چگونه مردم به پشتیبانی روحانیت و زمین داران با آن مخالفت میکنند و حتی برای این منظور در سفارت انگلیس بست میشینند. در لیاقت و جنگجویی این نظامیان در برقراری امنیت در کشور و قانع کردن مردم برای اجرای قوانین نظامی شکی نیست. پشتیبانی روشنفکران و مردم در ده سال اول زندگی سیاسی رضا شاه فوق‌العاده است. در این دوران او رئیس دولتی است که مشکل را مبیند، راه حل را پیدا میکند، قانون را در مجلسی پشتیبان خود میگذراند و آن را در کمترین مدت اجرا میکند. علی اصغر حکمت وزیر فرهنگ داستان تأسیس دانشگاه تهران، کشف حجاب اسلامی، تأسیس سازمان تربیت بدنی و مغضوب شدن خود را شرح میدهد.

از بین بردن قانون کاپیتولاسیون توسط رضا شاه از طرف سید محمد کاظم دستغیب ستایش شده است اما ایشان به علت اساسی وجود قانون کاپیتولاسیون که وجود قوانین شرعی اسلامی در ایران بود اشاره‌ای نمیکند. در آن زمان خارجی هایی که با ایران سروکار داشتند که بیشتر متخصصانی بودند که دولت برای نوسازی ایران به آنها احتیاج داشت حاضر نبودند به ایران بیایند مگر اینکه از قوانین شرعی اسلامی معاف باشند و قوانین مدنی کشور خودشان در صورت قانون شکنی شامل حال آنها شود که میشود همان قانون کاپیتولاسیون. بدون شک رضا شاه بدون تشکیل دادگستری جدید و اجرای قوانین مدنی بجای شرعی و جایگزین کردن قاضی های روحانی با قاضی های تحصیل کرده دانشگاه موفق نمی شد قانون کاپیتولاسیون را از بین ببرد بدون اینکه متخصصین خارجی را از ایران فراری دهد.

ترتیب نقل خاطرات در این کتاب بر اساس حروف الفبا است که خود یک بی ترتیبی بزرگی به کتاب داده است. از آنجا که

نقل خاطرات گزارش بنیاد یا نوسازی مؤسسات، تشکیل ارتش نوین ایران، سرکوب قدرت های خودمختار ایلیماتی و خانی، روابط خارجی ایران، گزارش شخصیت رضا شاه است. میباید به این بخش ها تقسیم میشد و مؤلف میتوانست بخشی هم به تعلق به رضا شاه بدهد و برای بخش انتقاد از رضا شاه صفحات سفید چاپ کند. اینگونه بخش بندی به خواننده اجازه میداد به روی یک موضوع مانند ارتش فکر خود را متمرکز کند و درک روشنی از آن داشته باشد تا اینکه با پریدن از این شاخه به آن شاخه بدنبال خاطرات اشخاص بدود.

انصراف رضا شاه از اعلان جمهوری و پذیرش مقام شاهی بزرگترین ضربه را به جایگاه او در تاریخ زد. چنانچه رضا شاه جمهوری اعلان میکرد و میتوانست محدودیت قدرت خود را مانند دوران پیش از به شاهی رسیدن بپذیرد میتوانست جایگاه ملی مانند آتاتورک داشته باشد. گویندگان خاطرات حاضر نیستند با دشمنان داخلی نو سازی ایران روحانیت شیعه به پشتیبانی بازار و زمین داران به روشنی برخورد کنند. روحانیت شیعه با قانون نظام وظیفه، تأسیس دانشکده حقوق و از بین بردن حجاب اسلامی و آزادی زنان به روشنی به مبارزه میپردازد. گذراندن قانون نظام وظیفه از مجلس و اجرای آن اگرچه غیرت ملی را گسترش داد و مردم را به وظیفه شهر وندی ملی خود آشنا کرد، ایران را از داشتن یک ارتش داوطلب و حرفه‌ای محروم کرد که تداوم رژیم مشروطیت را چندین بار به خطر انداخت و سرانجام از بین برد.

بیشتر گویندگان خاطرات به نسل بعد از انقلاب مشروطیت تعلق دارند. از ۱۳۰۵ بعد رفتار دیکتاتوری رضا شاه پایگاه او را در میان روشنفکران از بین میبرد و روحانیت شیعه موضع معین مخالفت با او را میگیرد و تعقل کمونیستی در میان تحصیل کرده‌ها جا باز میکند. رضا شاه با تکیه به نظامیان وفادار بخود و بورکراسی دولتی که خود خلق کرده است به حکومت خود ادامه میدهد. در اینکه رضا شاه پایه گذار ایران نو است شکی نیست و افق فکری و چشم انداز و تخیل او برای کسی که آموزش مدرسه‌ای نداشته است شگفت انگیز است. تردیدی نیست که چنانچه نسل تحصیل کرده‌ای که بعد از او سرنوشت ایران را بدست گرفت اگر همان قدر از زمان خود جلو بود که رضا شاه در بیشتر مسائل بود ایران امروز جایگاه بلندی در میان ملت های جهان داشت. ضد انگلیسی بودن سیاست پیشه‌ها، ایران را همواره در طرف بازنده تاریخ قرار داده است. تمایلات آلمانی رژیم رضا شاه بر انگلیسی ها پوشیده نبوده است و وقتی که شرایط جنگ دوم اقتضا کرد انگلیس و شوروی آن زمان در اشغال ایران تردید نکردند. رضا شاه در شهریور ۱۳۲۰ پایگاه وسیع مردمی نداشت و بیشتر سیاست پیشه‌های کهنه کار ایران از دیکتاتوری او به تنگ آمده بودند. در جنگ دوم جهانی بی طرفی معنی چندانی نداشت مخصوصاً برای کشورهای ضعیفی مانند ایران.

در این کتاب بیشتر به نقش مثبتی که رضا شاه در ادامه انقلاب مشروطیت بازی کرده است توجه شده است که ارزش فراوانی دارد. جنبه منفی نقش رضا شاه در تو خالی کردن مؤسسه مجلس و گره زدن سرنوشت ارتش و دولت به سرنوشت خود بوده است. ۳-۳-۰۰